

# از اختطاف تا حمله مسلحانه؛ زنگ خطری که جدی گرفته نشد

سرمقاله

## گست سیاسی و ساختار شکننده امنیتی

حفیظ الله زکی

در حالی که اوضاع امنیتی روز به روز رو به وخامت می رود، ولسوالی ها یکی پس از دیگری سقوط می کنند، مراکز برخی ولایات به معرض تهدید جدی قرار می گیرد، راههای مواصلاتی و شاهراه ها برای مسافران بی گناه امن نیستند و حملات تروریستی بر محلات غیر نظامی، تظاهرات مدنی، مراکز علمی و تحصیلی جان ده ها تن از نخبگان کشور را می گیرند، فقر و بیکاری زندگی را بر مردم عادی تنگ و تلخ ساخته است، تشنجات و اختلافات سیاسی میان رهبران حکومت وحدت ملی بیشتر شهروندان را در چهارسوی سردرگمی و سرگردانی قرار می دهند.

امروز سیاست ها و تا کنیک های جنگی مشخصی در برابر هراس افکنان وجود ندارد. ابهامات و پرسش های زیادی در رابطه با واقعیت های جنگ در افغانستان وجود دارد که تا هنوز از سوی حکومت پاسخ داده نشده است. اکنون نیروهای امنیتی به خوبی مسئولیت های خود را در جبهات جنگ درک نمی کنند. سقوط سؤال برانگیز مناطق و ولسوالی های مهم و استراتژیک، آنچه بدون مقاومت لازم از سوی نیروهای امنیتی، نگاه مردم را نسبت به عمق سیاست ها و ساختارهای موجود امنیتی با شک و تردید مواجه ساخته است. چرا در شرایطی که نیروهای امنیتی در خطوط مقدم جبهات جنگ از کمبود امکانات، تسلیحات و تجهیزات نظامی شکایت دارند، تعدادی از تانک ها، تانکرها و نفربرهای پولیس همراه با اسلحه و مهمات به دست نیروهای هراس افکن قرار می گیرد و آنها را قادر می سازد تا روزها و هفته های دیگر در برابر حکومت بجنگند و فضای تبلیغاتی خوبی را برای خود در افغانستان ایجاد نمایند.

فقدان هماهنگی لازم میان نیروهای امنیتی، کاهش انگیزه های رزمی در میان بخشی از نیروها، عملکردهای مشکوک و پرسش برانگیز برخی از فرماندهان جنگی، اعتماد مردم را نسبت به حکومت و سیاست های امنیتی کشور از بین برده است. وقتی گسست ها و اختلاف های سیاسی رهبران حکومت وحدت ملی و ناکارایی ساختار سیاسی در جلب رضایت شهروندان کشور به این همه مشکلات افزوده می شود، دیگر تمام تکیه گاهها و پشتوانه های سیاسی و امنیتی مردم متزلزل و غیر قابل اطمینان می گردد.

در جایی که نظام مسؤل و پاسخگو وجود دارد، شهروندان تمامی خواست ها، تقاضاها و نیازمندی های خود را از راه های قانونی به گوش دولت می رسانند و دولت مطالبات و نیازمندی های شهروندان را در قالب سیاست های ملی مورد غور و بررسی قرار می دهد و برآیند آن را به گونه واضح و شفاف به اطلاع عموم می رساند و قناعت و رضایت شهروندان را به دست می آورد، اما در افغانستان روند پاسخگویی حکومت به شهروندان معیوب و پیچیده بوده و حکومت در بسیاری حالات خود را ملزم به جوابگویی در برابر مردم نمی داند. همین حس خودبینی و تفرعن، سران حکومت را در حصار بلند، ضخیم و فولادی تفکرات خودخواهانه شان قرار داده و ارتباط منطقی و معقول آنها را با توده های مردم با مانع و مشکل روبرو کرده است.

امروز مردم به شدت از مشکلات اقتصادی رنج می برند. از تأمین مخارج زندگی شان ناآرام می باشند. امروز زندگی برای مردم یک شانس به حساب می آید و هر لحظه حیات مردم در خطر واقعی قرار می گیرد؛ اما شهروندان این مشکلات را به لحاظ منطقی و قانونی با چه نهاد و یا شخصی در میان بگذارند و از چه کسی باید انتظار رفع مشکلات را داشته باشند؟ معلوم است که حکومت در برابر مردم مسؤل و پاسخگو است و وظیفه دارد که چالش های مهم فراروی مردم را بردارد و یک زندگی امن همراه با رفاه نسبی را برای همه شهروندان به گونه برابر فراهم نماید. ولی در افغانستان مردم چنین انتظاری را از حکومت به کلی از دست داده اند. مردم معتقدند که سران حکومت وقتی مشکلات خودشان را حل نمی توانند، بطور می توانند به مشکلات سایر مردم رسیدگی کنند. سران حکومت مجبوراند در شرایط فعلی اولویت ها را بررسی کرده و مطابق اولویت های ملی سیاست ها و رویکردهای خود را عیار سازند. مصروف شدن سران حکومت به خواست های شخصی، تمرکز آنها را از مسایل مهم ملی دور می سازد.

بعد از ظهر چهار شنبه، سه سنبله ۱۳۹۵، انفجاری در ساحه دانشگاه آمریکایی افغانستان به وقوع پیوست در پی آن شلیک گلوله شروع شد و نزدیک به ۱۰ ساعت دوام نمود. تروریستان در دانشگاه آمریکایی افغانستان حمله نموده بود. بر اثر این حمله ۱۳ نفر کشته و بیش از ۴۰ نفر زخمی شدند. ارگ ریاست جمهوری جلسه اضطراری شورای امنیت ملی را به منظور بررسی این حادثه دایر نمود. شورای امنیت ملی اعلان نموده که حمله از آن سوی خط دیورند طراحی و سازماندهی شده است. اشرف غنی، رئیس ستاد ارتش پاکستان راحیل شریف، رئیس ستاد ارتش پاکستان تلفنی صحبت نموده و از او خواهان اقدامات علیه گروه و افرادی شده‌اند که این حمله را سازماندهی نمایند.

مردم نیز نسبت به این رویداد دهشتناک واکنش نشان دادند. حمله بر دانشگاه حمله بر آینده روشن و جلوگیری از حرکت افغانستان به سمت آینده روشن و بهتر است. در کنار این مهم، بسیاری از حکومت افغانستان خواسته بود که سیاست خود را در قبال گروه طالبان تغییر دهد. چند نکته در ارتباط با واکنش مردم رویداد روز چهار شنبه قابل ذکر است. اول: چندی قبل دو استاد دانشگاه آمریکایی افغانستان اختطاف شدند. هر دو استاد شهروند خارجی بود. تا کنون سرنوشت این دو استاد مشخص نشده است. برای بسیاری از شهروندان خارجی در افغانستان اختطاف دو استاد دانشگاه آمریکایی افغانستان زنگ خطری جدی بود. خطری مبنی بر مفقود شدن و کشته شدن. اختطاف دو استاد می توانست بسیاری از شهروندان خارجی را مصمم به ترک این کشور نماید. این رویداد در عین حالی که زنگ خطری برای شهروندان خارجی در کابل بود زنگ خطری جدی برای حکومت کابل و نهاد های امنیتی نیز بود تا تدابیر امنیتی این دانشگاه بیشتر نماید تا میادا حادثه و رویدادی رخ ندهد. اینکه بعد از اختطاف دو استاد تدابیر امنیتی

رحیم حمیدی



در ساحه که دانشگاه آمریکایی قرار دارد چگونه بوده است تا هنوز مشخص نیست. اما، آنچه هویدا است اینکه تدابیر امنیتی به آن پیمانانه نبوده است که مانع نفوذ تروریست ها در این ساحه شود. بنابراین، اختطاف دو شهروند خارجی و دو استاد دانشگاه آن چنان که باید نهاد های امنیتی ما را به حرکت در نیاورده است. بنابراین، ضرورت به یک تحقیق جدی وجود دارد تا جنبه و ابعاد مختلف قضیه مورد بررسی قرار گیرد و کارگزاران نهاد های امنیتی که نسبت به تأمین امنیت دانشگاه آمریکایی غفلت نموده است مجازات گردد.

شورای امنیت ملی افغانستان جلسه اضطراری در ارتباط با حمله بر دانشگاه آمریکایی افغانستان دایر نمود. شورای امنیت اعلان نمود که حمله از آن سوی خط دیورند طراحی و سازماندهی شده است. به صورت مشخص چند پرسش جدی مطرح می شود. اول: شورای امنیت ملی بر مبنای اسناد ریاست عمومی امنیت ملی به این نتیجه رسیده است که

حمله از آن سوی خط دیورند طراحی و سازماندهی شده است. ظاهراً، امنیت ملی تروریستان را تحت تعقیب داشته است. تصمیم شورای امنیت ملی بر مبنای اسناد و مدارک امنیت ملی بیانگر اعتماد و باورمندی به یک نهاد مهم امنیتی است. این باورمندی به یک نهاد امنیتی از سوی رویداد های دهشتناک تر از حمله بر دانشگاه آمریکایی در چند ماه گذشته در افغانستان اتفاق افتاده است اما، هیچ یک از آن رویداد های دهشتناک سبب نشدند که یک نهاد امنیتی اسناد و مدارک مبنی بر کارگزاران حملات را فاش سازد. حمله بر دانشجوین آکادمی پلیس، حمله بر محافظین رجال برجسته، حمله ۲ اسد بر تظاهرات کنندگان در دهمزنگ به مراتب دهشتناک تر از رویداد روز چهار شنبه بود. در ارتباط با حمله بر دانش جوین آکادمی پلیس چندین تن از وظیفه و کنار شدند اما، در ارتباط با رویداد دیگر تا هنوز هیچ گونه تحقیق صورت

## چیستی جامعه شناسی مردم مدار

اسماعیل حق پرست



مردم مدار از طریق گفت‌وگو با مردم، توانان از مردم می‌آموزند و به آنها نیز آموزش می‌دهند. این نوع جامعه‌شناسی «روش»، «نظریه» و «تاریخ» خود را دارد. در واقع، جامعه‌شناسی مردم‌مدار همچون چیزی عمل می‌کند که در آن رویکردهای جامعه‌شناختی را برای مردم فراهم می‌آورد که البته همین امر می‌تواند دامی پیش‌روی جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیز باشد. فاضلی در تشریح نسبت میان جامعه‌شناسی مردم‌مدار و جامعه‌شناس مردم‌مدار می‌گوید که نمی‌توان از هر یک از انواع جامعه‌شناسی پرورش جامعه‌شناس مردم‌مدار طلب کرد. مردم‌مدار بودن یک جامعه‌شناس مستلزم برخورداری از نوعی اخلاق است که مختص اینگونه از جامعه‌شناسی است. در مجموع، به تعبیر بوراوی، باید گفت جامعه‌شناس مردم‌مدار نوعی خصلت «پارتیزانی» دارد و بر مبنای همین خصلت پارتیزانی است که جامعه‌شناسی مردم‌مدار با هیچ روش و موضع روش‌شناختی برخوردی جزم‌اندیشانه ندارد. دوری از جزم‌اندیشی در مورد ارزش‌ها نیز صادق است. به عبارتی دیگر، این نوع از جامعه‌شناسی زمینه بحث در مورد ارزش‌ها را فراهم می‌کند بدون آنکه هیچ ارزشی را تحمیل کند. در مجموع، جامعه‌شناسی مردم‌مدار را گونه‌ای از جامعه‌شناسی باید دانست که بنا بر خورداری از صراحت مفهومی و دقت روش‌شناختی، داعیه‌هایی به اندازه یافته‌های تجربی خود دارد و با خصلتی پارتیزانی به مسائل مردم می‌پردازد.

مردم و جامعه مدنی باشد، مخاطبش را مردم بدانند، برای آنان و به کمک آنان به تولید دانش جامعه‌شناختی بپردازد و مقیاس‌هایش را نیز متناسب با چنین شرایطی تنظیم کند. «قاعی‌راد معتقد است بازخوانی مقالات پژوهشی به زبان همه‌فهم، که البته باید آن را متمایز از عوامانه کردن جامعه‌شناسی دانست، از جمله اهدافی است که در قالب جامعه‌شناسی مردم‌مدار دنبال می‌شود. همچنین جامعه‌شناسی مردم‌مدار، مخاطبش را ریشه‌های خود را در جامعه‌شناسی حرفه‌ای می‌بیند بدون توجه و نگاه به جامعه‌شناسی حرفه‌ای نمی‌تواند دوام آورده و بقای خود را تضمین کند. سسی‌رایت میلز که از جمله متفکرانی است که در سنت جامعه‌شناسی مردم‌مدار به آن توجه می‌شود، پیوند میان مسائل شخصی با مسائل عام اجتماعی و رایج کردن چنین باورداشته‌ای را برای مردم از مهم‌ترین اهداف جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌داند. جامعه‌شناسی مردم‌مدار دانش را نه برای آکادمی، نه برای دولت‌ها و بازار و نه برای نقد آثار علمی، بلکه توجهش را مستقیماً به گروه‌های مردمی معطوف می‌کند. این درحالی است که به باور وی این مواجهه با مردم نه یک‌سویه بلکه دوطرفه و در قالبی گفت‌وگویی شکل می‌گیرد. این در شرایطی است که تصور غالبی که از سنت جامعه‌شناسی مردم‌مدار وجود دارد، عمدتاً معطوف به نوع «سنتی» آن بوده که قالبی تک‌گویانه به خود می‌گیرد، حال آنکه با برداشتی ارگانیک، جامعه‌شناسان

برخاسته از آکادمی و دانشگاه، در کنار جامعه‌شناسی انتقادی و روشنفکرانه، در کنار جامعه‌شناسی‌ای که طرح‌های بازار و دولت را پیش می‌برد، جای جامعه‌شناسی‌ای خالی است که مردم را مشاهده کند، هدف را گروه‌های مردمی دانسته و برای مردم تولید کند. این جامعه‌شناسی جدید دغدغه‌اش مردم یا به تعبیری درست‌تر، گروه‌های مردمی است. روند موردنظر جامعه‌شناسی مردم‌مدار راهی برای شناسایی مسائل و موضوعات جامعه‌اش است و در برابر دستورکار جامعه‌شناسی حرفه‌ای قرار می‌گیرد که مساله‌یابی را به خلاقیت و اکتشاف شخصی دانشجویان و پژوهشگران واگذار کرده‌است. از این‌روست که جامعه‌شناسی مردم‌مدار طی گفت‌وگویی دوطرفه با مردم به شناسایی مسائل و موضوعات گروه‌های مردمی پرداخته و به معنای دقیق‌تری به «جامعه‌شناسی روی می‌آورد. در مقاله‌های مهدی حاجی‌مهریان جامعه‌شناسی مردم‌مدار را اینگونه مثال می‌زند که «جامعه‌همانند پیکری است که پزشکان / جامعه‌شناسان با ابزار و سنجش‌های مختلف همواره میزان فشار خون، نوار قلب، دمای بدن و وضعیت این پیکر را ارزیابی و رصد می‌کنند. این جامعه‌شناسی مردم‌مدار چنین رصدی را طی همین گفت‌وگوی توأمان و دوطرفه با گروه‌های مردمی انجام می‌دهد. دکتر محمدامین قانع‌ی‌راد درخصوص جامعه‌شناسی مردم‌مدار می‌گوید: «جامعه‌شناسی مردم‌مدار باید در خدمت

حمله بر علم و دانایی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا | مدیر مسوول: محمد رضا هویدا | سردبیر: حفیظ الله زکی | کاریکاتورست: خالق علی زاده | دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری | مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان | آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۸

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN